توسل

جايز و غير جايز

**تأليف:**

**عبدالعزيز بن عبدالله الجهني**

**ترجمه:**

**اسحاق دبيری**/

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | توسل جايز و غير جايز | | | |
| **تألیف:** | عبدالعزيز بن عبدالله الجهني | | | |
| **ترجمه:** | اسحاق دبيری | | | |
| **موضوع:** | توحید و الهیات | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری | | | |
| **منبع:** |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[مقدمۀ مترجم 3](#_Toc394854489)

[مقدمۀ مؤلف 5](#_Toc394854490)

[دین عرب در آستانة بعثت پيامبرص 6](#_Toc394854491)

[شفاعت حق 11](#_Toc394854492)

[شفاعت مشروع (جايز) 12](#_Toc394854493)

[شفاعت نامشروع (غير جايز) 12](#_Toc394854494)

[بين عرب جاهلي و كسی كه اوليا را می‌خواند چه فرقي است؟ 14](#_Toc394854495)

[تطبيق عملی توسل مشروع (جايز) در عهد صحابه 16](#_Toc394854496)

[توسل مشروع و جايز 21](#_Toc394854497)

[به كسی غير از رسول اللهص اقتدا و تأسی نمی‌كنيم 24](#_Toc394854498)

[دعاي به درگاه غير خدا اعمال نیک را محو و نابود می‌كند 26](#_Toc394854499)

[بعضی از نمودهای شرك 30](#_Toc394854500)

[برخی از شبهه‌هایی كه اهل باطل ادعا می‌كنند 31](#_Toc394854501)

مقدمۀ مترجم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام علی أشرف الأنبياء والمرسلين سيدنا محمد وعلی آله وصحبه أجمعين

هدف از آفرينش انس و جن عبادت خداوندـ است:

﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ٥٦ مَآ أُرِيدُ مِنۡهُم مِّن رِّزۡقٖ وَمَآ أُرِيدُ أَن يُطۡعِمُونِ ٥٧﴾ [الذاریات: 56 -57]

«جن و انس را نيافريدم بجز براي آنكه مرا بندگي كنند، از آنان هيچ روزي‌اي نمی‌خواهم و نمی‌خواهم كه به من خوراك دهند».

انگيزة بعثت پيامبران، هدايت بشر براي عبادت خداوند بوده است؛ چنانكه فرمايد:

﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ﴾ [النحل: 36]

«به يقين در هر امتي رسولي برانگيختيم كه خدا را بندگي كنيد و از طاغوت بپرهيزيد».

عبادت معنا و مفهومي وسيع و گسترده دارد و شامل اعمالي می‌شود كه جلب خشنودي خداوند و دوري از منهيات را در پی دارد؛ اما متأسفانه بعضي افراد عبادت را منحصر در عمل به اركان اسلام می‌دانند، در صورتي كه رسول‌اللهص می‌فرمايد: «الإِيمَانُ بِضْعٌ وَسَبْعُونَ أَوْ بِضْعٌ وَسِتُّونَ شُعْبَةً فَأَفْضَلُهَا قَوْلُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَأَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ» [متفق عليه]. «ايمان هفتاد و چند، و يا شصت و چند شعبه است و بالاترین آنها گفتن "لا إله إلا الله" [یعنی شهادت به یکتایی خداوند] و کم‌ترین آنها برطرف نمودن موجبات آزار و اذیت [مانند خار و خاشاک و امثال آن] از سرِ راه است».

توسل از مهم‌ترين عبادت‌هاست كه عظمت آن بر بسياري مخفي است، و عده‌ای براي نزدیکی به خداوند، توسل غير مشروع انجام می‌دهند، كه آنان را به ورطه شرك وارد می‌كند.

خداوند می‌فرمايد:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱبۡتَغُوٓاْ إِلَيۡهِ ٱلۡوَسِيلَةَ وَجَٰهِدُواْ فِي سَبِيلِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٣٥﴾ [المائدة: 35].

«اي مؤمنان، از خدا بترسيد، و براي تقرب به خدا وسيله بجویيد، و در راه او جهاد كنيد تا اينكه رستگار شويد».

توسل عبارت است از وسيله قراردادن هر نوع عمل صالحي كه موجب رضايت خدا و تقرب به او گردد.

كتاب مزبور كه نوشته دانشمند محترم شيخ عبدالعزيز بن عبدالله الجهني است، مباحث بسيار با ارزشي ارائه داده است. اميدوارم كه با ترجمه اين كتاب خدمتي متواضعانه به عزيزان فارسي زبان كرده باشم. از خداوند خواهانم آن را براي خشنودي خود قبول فرمايد.

**توسل**: به وسيله چيزي به كسي نزديكي ‌جستن، وسيله قراردادن، دست به دامن شدن، درخواست، تقاضا، التماس.

مشروع: آنچه مطابق شرع باشد و شرع آن را روا و جايز بداند، شرعي.

ممنوع: منع شده، بازداشته شده، نهي شده، غير جايز.

وصلی الله علی محمد وآله وصحبه

**اسحق دبيري**

مقدمۀ مؤلف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام علی رسول الله وعلی آله وصحبه أجمعين

كسي كه در تاريخ و سيرت رسول اللهص دقت نماید درك خواهد كرد كه ايشان در ميان مردمي مبعوث شدند كه در مورد مردگان و اوليای الهی غلو می‌كردند، و اين غلو و زياده‌روي، سبب خارج شدن آنها از دين ابراهيم خليل شده بود.

واضح است كه دين ابراهيم دعوت مردم به سوي توحید و يگانه‌پرستي بود، و همچنين معلوم است كه عبادت انواع مختلفي دارد؛ از آن جمله: احسان، نماز، زكات، ساير اركان اسلام، دعا، ذبح، نذر، طلب كمك، فريادرسي، پناه‌جستن، بيم و ترس، اميد، رغبت و رهبت و غيره.

دین عرب در آستانة بعثت پيامبرص

 عرب جاهليت بعضي از انواع عبادت‌هاي فوق را براي غير از خداي يكتا انجام می‌دادند، و معتقد بودند كه اوليا نزد خداوند ارج و منزلت عظيمي دارند و می‌توانند نيازها و خواسته‌هاي آنان را به خداوند برسانند؛ مانند بت لات كه در شهر طائف و اطرافش پرستش می‌كردند. آن بت، نام مردي صالح و نيكوكار بود كه قبل از مردن به مردم ـ مخصوصاً حجاج خانـه خدا ـ كمك می‌كرد و به آنها غذایی به نام «سَويق**([[1]](#footnote-1))**» می‌داد. او وقتي از دنيا رفت، مردم به خوبي از او ياد می‌كردند و قبر او را زيارت می‌كردند؛ سپس گنبدي بر آن ساختند، به او توسل می‌جستند، قبرش را طواف می‌كردند و براي رفع نيازها و مشكلاتشان از او كمك می‌خواستند. در مورد بت‌هاي ديگر بنام «عُزّي» و «مَنات» نيز چنين بود.

چنانكه خداوند می‌فرمايد:

﴿أَفَرَءَيۡتُمُ ٱللَّٰتَ وَٱلۡعُزَّىٰ ١٩ وَمَنَوٰةَ ٱلثَّالِثَةَ ٱلۡأُخۡرَىٰٓ ٢٠ أَلَكُمُ ٱلذَّكَرُ وَلَهُ ٱلۡأُنثَىٰ ٢١ تِلۡكَ إِذٗا قِسۡمَةٞ ضِيزَىٰٓ ٢٢ إِنۡ هِيَ إِلَّآ أَسۡمَآءٞ سَمَّيۡتُمُوهَآ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلۡطَٰنٍۚ﴾ [النجم: 19-23]

«آيا چنين مي‌بينيد [و چنین معتقديد] كه لات و عُزّي و مَنات، سومين بت ديگر [معبود شما و دختران خدايند و داراي قدرت و عظمت می‌باشند؟] آيا پسر مال شما باشد، و دختران مال خدا؟ [در حالي كه به گمان شما دختران كم‌ارزش‌تر از پسرانند؟] در اين صورت، اين تقسيم ظالمانه و ستمگرانه‌اي است. اینها فقط نام‌هایي [بي‌محتوي و اسم‌هايي بي‌مسمّي] است كه شما و پدرانتان [از پيش خود] بر آنها گذاشته‌اند. هرگز خداوند دليل و حجتي [بر صحت آنها] نازل نكرده است».

در حالي كه می‌دانستند بت‌هايي كه از آنان طلب كمك می‌كنند هيچ چيز را نيافريده‌اند و هيچ رزق و روزی و زندگي و مرگي را در اختيار ندارند و هيچ چيزي نمی‌توانند انجام دهند؛ چنانكه خداوند دربارة مشركين چنين می‌فرمايد:

﴿قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ أَمَّن يَمۡلِكُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَمَن يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَۚ فَسَيَقُولُونَ ٱللَّهُۚ فَقُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٣١﴾ [یونس: 31]

«بگو: چه كسي از آسمان و زمين به شما روزي مي دهد؟ يا كيست كه حاكم بر گوش و ديدگان است؟ و كيست كه زنده را از مرده بيرون می‌آورد و مرده را از زنده بيرون می‌آورد؟ و كيست كه كار [هستي] را تدبير می‌كند؟ خواهند گفت: خدا؛ پس بگو: آيا پروا نمی‌كنيد؟»

منظور آيه اين است كه از آنجایي كه خدا همه كارها را انجام می‌دهد، چرا از خدا نمی‌ترسيد، تا بدين وسيله عبادت را فقط براي او انجام دهيد، كما اينكه او را آفريننده قرار داده‌ايد؟

پس از اينجا معلوم می‌شود كه مردم زمان جاهليت منظورشان از دعا کردن به پای اين بت‌ها، فقط قربت به خداوند بوده است، چون گمان می‌بردند كه خداوند دعاي اينها را اجابت كرده و خواستۀ آنها را برآورده می‌كند؛ و اين نهايت كوتاهي در حق خداست، چون خدا مانند بشر نيست تا به كمك نياز داشته باشد، اما بشر به كمك نياز دارد زيرا به همه چيز احاطه ندارند.

لذا معلوم می‌شود كسي كه غير از خدا را به فرياد طلبد و از او چيزي بخواهد كه فقط در حیطة اختیار و قدرت خداست، قطعاً مشرك است؛ چنانكه  
  
خداوند اين نکته را بيان فرموده است:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ عِبَادٌ أَمۡثَالُكُمۡۖ فَٱدۡعُوهُمۡ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لَكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٩٤﴾ [الأعراف: 194].

«بت‌هايي را كه به جز خدا فرياد می‌داريد و می‌پرستيد، بندگاني همچون خود شما هستند [و كاري از آنها ساخته نيست و نمی‌توانند فريادرس شما باشند]. آنان را به فرياد خوانيد و [از ايشان استمداد جوييد] اگر راست می‌گوييد [كه كاري از ايشان ساخته است] بايد كه به شما پاسخ دهند [و نياز شما را بر آورده كنند]».

خداوند در قرآن كريم ذكر كرده‌ كه اين مردگان دعاي مددخواهان را نمی‌شنوند، و فرضاً اگر هم بشنوند، نمی‌توانند آن را اجابت كنند، و روز قيامت اين عمل را انكار می‌كنند و عملشان به نص قرآن شرك خوانده شده است؛ چنانكه خداوند می‌فرمايد:

﴿إِن تَدۡعُوهُمۡ لَا يَسۡمَعُواْ دُعَآءَكُمۡ وَلَوۡ سَمِعُواْ مَا ٱسۡتَجَابُواْ لَكُمۡۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَكۡفُرُونَ بِشِرۡكِكُمۡۚ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثۡلُ خَبِيرٖ ١٤﴾ [فاطر: 14]

«اگر آنها را بخوانيد دعاى شما را نمى‏شنوند و اگر [فرضا] بشنوند اجابتتان نمى‏كنند و روز قيامت ‏شرك شما را انكار مى‏كنند و [هيچ كس] چون [خداى] آگاه تو را خبردار نمى‏كند».

پس همة مردگان مانند آنها هستند که چون از آنها كمك خواسته شود استجابت نمی‌كنند؛ چنان که می‌فرمايد:

﴿إِنَّكَ لَا تُسۡمِعُ ٱلۡمَوۡتَىٰ﴾ [النمل: 80]

«البته تو مردگان را شنوا نمى‏گردانى»،

﴿وَمَآ أَنتَ بِمُسۡمِعٖ مَّن فِي ٱلۡقُبُورِ ٢٢﴾ [فاطر: 22]

«و تو نمى‏توانى كسانى را كه در گورهايند شنوا سازى».

مردگان از غيب خبر ندارند، حتی رسول اللهص؛ پس ديگران چگونه می‌توانند از غيب باخبر باشند و چگونه شخص مرده می‌داند كه فلاني به نزد قبر او آمد و از او مدد خواست؟ خداوند می‌فرمايد:

﴿قُل لَّآ أَمۡلِكُ لِنَفۡسِي نَفۡعٗا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۚ وَلَوۡ كُنتُ أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ لَٱسۡتَكۡثَرۡتُ مِنَ ٱلۡخَيۡرِ وَمَا مَسَّنِيَ ٱلسُّوٓءُۚ إِنۡ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ وَبَشِيرٞ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ﴾

[الأعراف: 188]

«بگو: جز آنچه خدا بخواهد براى خودم اختيار سود و زيانى ندارم و اگر غيب مى‏دانستم قطعاً خير بيشترى مى‏اندوختم و هرگز به من آسيبى نمى‏رسيد؛ من جز بيم‏دهنده و بشارتگر براى گروهى كه ايمان مى‏آورند نيستم».

پس اینها از كساني مدد می‌خواهند كه وجود ندارند و طلب شفاعت به جاه و منزلت آنها جايز نيست، زيرا خداوند مشركين عرب را كافر دانسته، زیرا از مردگان طلب شفاعت می‌كردند، با اين حال كه می‌گفتند:

﴿مَا نَعۡبُدُهُمۡ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَآ إِلَى ٱللَّهِ زُلۡفَىٰٓ﴾ [الزمر: 3]

«ما آنها را جز براى اينكه ما را هر چه بيشتر به خدا نزديك گردانند نمى‏پرستيم».

يعني ما آنها را به فرياد نمی‌طلبيم زيرا به فرياد طلبيدن، همان عبادت است. اين مطلب در صفحات آينده ذكر خواهد شد و خواهیم دید که به شفاعت طلبيدن آنها بزرگترين اشتباه است، زيرا خداوند می‌فرمايد:

﴿مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ﴾ [البقرة: 255]

«كيست آن كس كه جز به اذن او در پيشگاهش شفاعت كند؟»،

و می‌فرمايد:

﴿وَلَا يَشۡفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ٱرۡتَضَىٰ﴾ [الأنبیاء: 28]

«و جز براى كسى كه [خدا] رضايت دهد شفاعت نمى‏كنند».

اللهـ طلب شفاعت از مردگان را جايز نمی‌داند، زيرا مرده قدرتی برای شفاعت ندارد؛ پس چگونه از كسي كه نمی‌تواند كاري انجام دهد طلب شفاعت می‌كند؟ شفاعت از كسي خواسته می‌شود كه می‌تواند آن را انجام دهد و او خداوند متعال است.

شفاعت حق

از خداوند می‌خواهيم تا لطف خود را در روز قيامت با بهره‌مند شدن از شفاعت صالحين به ما عطا فرمايد؛ حال چه اين شفاعت براي كسي باشد كه مستحق آتش دوزخ است، و چه براي بالا بردن درجات ما در بهشت و مانند اینها.

هيچ شفاعت كننده‌اي نمی‌تواند شفاعت كند، مگر با اجازه خداوند؛ حتی اگر هم از فرشتگان مقرب و يا پيامبر باشد؛ پس چه رسد به كسي كه منزلت او كمتر و كوچك‌تر است.

خداوند می‌فرمايد:

﴿وَكَم مِّن مَّلَكٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ لَا تُغۡنِي شَفَٰعَتُهُمۡ شَيۡ‍ًٔا إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ أَن يَأۡذَنَ ٱللَّهُ لِمَن يَشَآءُ وَيَرۡضَىٰٓ﴾ [النجم: 26]

«و چه بسیار فرشتگانى كه در آسمان‌ها هستند [و] شفاعتشان به كارى نيايد، مگر پس از آنكه خدا به هر كه خواهد و خشنود باشد اجازه دهد»،

و می‌فرمايد:

﴿مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦ﴾ [البقرة: 255]

«كيست آن كس كه جز به اذن او در پيشگاهش شفاعت كند؟»،

و همچنین:

﴿وَلَا يَشۡفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ٱرۡتَضَىٰ وَهُم مِّنۡ خَشۡيَتِهِۦ مُشۡفِقُونَ ٢٨﴾ [الأنبیاء:28]

«و جز براى كسى كه [خدا] رضايت دهد شفاعت نمى‏كنند و خود از بيم او هراسانند».

بنابراين شفاعت به دو نوع تقسيم می‌شود:

شفاعت مشروع (جايز)

این شفاعت، مخصـوص اهل اخلاص است و فقط از خداوند طلب می‌شود و از هيچ كسی خواسته نمی‌شود، مگر خداوند؛ زيرا چنان كه قبلاً ذكر كرديم، هيچ كس شفاعت نمی‌كند، مگر با اجازه و رضا و خشنودي او خداـ و اينكه از كسي كه دربارة او شفاعت می‌شود راضي باشد؛ پس اگر براي كسي كه درباره او شفاعت می‌شود، موحد و يكتاپرست باشد، شفاعتِ شفاعت‌كنندگان به اذن الله برايش مؤثر خواهد بود، حال چه آن شفاعت كننده از پيامبران، انبيا، صديقين، اوليا يا از صالحين باشد.

شفاعت نامشروع (غير جايز)

شفاعتي است كه از غير خدا خواسته می‌شود؛ مانند كسي كه از مردگان يا شخص غايب يا جن شفاعت بخواهد یا چیزی طلب کند؛ زيرا از كسي خواسته می‌شود كه قدرت و استطاعت انجام آن را ندارد، و قبلاً هم ذكر شد كه در قرآن آمده كه مرده نمی‌شنود و غايب از غيب خبر ندارد؛ همچنين اولياء الله و صالحين مردگان نمی‌دانند که آيا كسي نزد قبرشان آمده و از آنها مدد خواسته يا از آنها طلب شفاعت كرده يا خير.

پس از اينجا معلوم می‌شود كه براي كافر و مشرك شفاعت نمی‌شود، و از جمله آنها، كساني هستند كه غير از خدا را می‌طلبند و يا ذبح و نذر را براي غير خدا انجام می‌دهند.

خداوند می‌فرمايد:

﴿وَٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَخۡلُقُونَ شَيۡ‍ٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ ٢٠ أَمۡوَٰتٌ غَيۡرُ أَحۡيَآءٖۖ وَمَا يَشۡعُرُونَ أَيَّانَ يُبۡعَثُونَ ٢١﴾ [النحل: 20-21]

«و كسانى را كه جز خدا مى‌خوانند چيزى نمى‌آفرينند، در حالى كه خود آفريده مى شوند (20) مردگانند نه زندگان و نمى‌دانند كى برانگيخته خواهند شد».

يعني آن اوليا و صالحين مرده‌اند و زنده نيستند، و آنها از مردگان چيزي خواستند كه انجامش برای آنها مقدور نيست؛ مگر اينكه مرد صالح و نيكوكار زنده باشد، در اين حال جايز است كه از او چيزي بخواهیم كه بتواند انجام دهد؛ مانند اينكه بگوید: «اي شيخ، از خدا اين و آن را براي من بخواه»؛ يا بگويد: «اي فلاني، به من كمك كن تا قرضم را بپردازم، يا به من كمك كن تا اين بار را حمل كنم»، و مانند آنچه در توانِ ياري اوست.

بين عرب جاهلي و كسی كه اوليا را می‌خواند چه فرقي است؟

بعد از اينكه به طور خلاصه دربارة حال اهل جاهليت و نادانی‌ای كه رسول‌اكرمص به فرمان خدا با آنها جنگيد سخن گفتیم، بیایید به حال مسلمانان امروزی نگاه كنيم. حتما سئوال مهمی مطرح می‌گردد: بین آن نادانان و جاهلان، و كسانی كه اوليا و صالحين مرده يا غايب‌ را در این زمان به فریاد و زاری می‌خوانند چه فرقي وجود دارد؟

و در جواب می‌گوييم: به چند دلیل، هيچ فرقي بين اين دو گروه وجود ندارد:

1. مشرکان جاهلیت معتقد بودند كه بت‌هایشان از مُلك و قدرت خدا هيچ چيز نداشتند؛ اهل اين عصر که نزد قبرهاي اوليا و صالحين می‌روند نیز همين اعتقاد را دارند، مثلاً دربارة کسانی همچون حسين بن علی، عبدالقادر گیلاني و السيد البدوي (رحمهم الله)؛
2. اهل جاهليت اعتقاد داشتند كه صالحين مرده، نزد خدا جاه و منزلت دارند و نيازهاي مردم را به خدا می‌رساندند؛ همچنین معتقد بودند كه آنان را به خدا نزديك می‌كنند؛ با اين حال، خداوند آنان را كافر دانسته است، چرا که می‌گفتند:

﴿هَٰٓؤُلَآءِ شُفَعَٰٓؤُنَا عِندَ ٱللَّهِۚ﴾ [یونس: 18]

«اینها ميانجي‌هاي ما نزد خدا هستند»،

و می‌گفتند:

﴿مَا نَعۡبُدُهُمۡ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَآ إِلَى ٱللَّهِ زُلۡفَىٰٓ﴾ [الزمر: 3]

«ما آنها را جز براى اين نمى‏پرستيم كه ما را هر چه بيشتر به خدا نزديك گردانند».

اينچنين است حال كسانی كه امروزه به قبرستان‌ها می‌روند. آنها نيز همين اعتقادات را در مورد اوليای الهی دارند.

تطبيق عملی توسل مشروع (جايز) در عهد صحابه

 دعا عبادت است؛ چنانكه خداوند فرموده:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ٦٠﴾ [المؤمن: 60]

«و پروردگارتان فرمود مرا بخوانيد تا شما را اجابت كنم؛ در حقيقت، كسانى كه از پرستش من كبر مى‏ورزند به زودى خوار در دوزخ درمى‏آيند».

خداوند دعا را نوعی عبادت دانسته است. به علاوه، در حديثي صريح و واضح از رسول اللهص روايت است كه فرمودند: «إنَّ الدُّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ» «دعا همان عبادت است»**([[2]](#footnote-2))**.

امام أحمد/ از حديث ابی‌هريره روايت می‌كند كه رسول اللهص فرمودند: «مَنْ لَمْ يَدْعُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ غَضِبَ عَلَيْهِ» «كسي كه خدا را نخواند، خدا بر او خشم و غضب می‌گيرد».

صحابه از اين حديث چنان فهميدند كه هر كس غير از خدا را بخواند مشرك و كافر است؛ اگر هم طلب او از فرشته‌اي مقرب و يا پيامبري مرسل باشد، باید بداند که آنها اين كار را در شديدترين اوقات و مشكلات هم انجام نمی‌دادند.

در اين مورد، اين از زندگي صحابه، بعد از وفات رسول اللهص مثالي می‌زنيم:

در دوران خلافت عمر قحطي رخ داد و از عباس بن عبدالمطلب، عموی رسول اللهص درخواست شد تا از خدا برايشان باران طلب كند. وقتي در مصلي بودند، عمر گفت: «اللَّهُمَّ إِنَّا كُنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا فَتَسْقِينَا وَإِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَمِّ نَبِيِّنَا فَاسْقِنَا... فَيُسْقَوْنَ» «خدايا ما [پیشتر] به رسول تو توسل می‌كرديم و تو بر ما باران فرود می‌آوردي؛ و در حال حاضر به عموي پيامبرت توسل می‌جوييم. پس خدايا بر ما باران فرود آور …» و خدا بر آنها باران فرود می‌آورد. پس عباس دعا می‌كرد، و آنها آمين می‌گفتند.

چرا صحابه، مانند اهل زمان ما، از مردگان طلب كمك و شفاعت نكردند؟ در حالي كه آنها داناترين و آگاه‌ترين مردم به حلال و حرام بودند، آنها کسانی بودند كه پشت سر رسول اللهص به نماز ايستادند، با او جهاد كردند، به حج رفتند، با او در مسجد نشسته و خطبه گوش می‌كردند و آنها بودند كه از ادب و اخلاق او درس‌های بسیار آموختند.

لازم به ذکر است که حتی مسافرت به قصد زیارت قبور پيامبران يا اوليای الهی و مانند آن جايز نيست، زيرا اين كار به شرك منتهي می‌شود. پس به بهانه‌ها و وسيله‌های تقرب، همان حكمي تعلق می‌گيرد كه به اهداف و نيت‌ها و مقاصد تعلق دارد. به همين سبب می‌بينيم كه رسول اكرمص مسافرت به سوي قبرها را حرام نموده است: «لاَ تُشَدُّ الرِّحَالُ إلاَّ إلَى ثَلاَثَةِ مَسَاجِدَ: الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ، وَمَسْجِدِيْ هَذَا، وَالْمَسْجِدُ الأَقْصَى» «سفر [به سوي مساجد] جايز نيست، مگر به سوي سه مسجد: مسجد الحرام، مسجد نبوي، و مسجد الأقصي».

مقصود اين است كه سفر به سوي قبر شخص صالح و مانند آن صحيح نيست. ما هم پيامبرص را بيشتر از جان خود، حتی بيشتر از پدر و مادر و فرزند و اهل و مال خود دوست داريم، و صحابه و اوليا و صالحين را نيز دوست می‌داريم، و دوستداران ایشان را نیز دوست می‌داريم، و با كسي كه با آنها عداوت و دشمني نمود، دشمني می‌كنيم، و می‌دانيم كسی كه با ولي خدا دشمني كند، با خدا به جنگ پرداخته است. پس آيا دوست داشتن و محبت اینان موجب آن است كه آنها را به جاي خدا پرستش كنيم؟! آیا جایز است آن بزرگواران را شبيه و مانند خدا بدانيم و به آنها توسل جوييم بر قبرهايشان طواف كنيم؟ آیا مجاز است که برايشان نذر و ذبح و قربانی كنيم؟! از اينجا پي می‌بريم و می‌فهميم كه درخواست کردن از غير خدا برای انحام آنچه قدرت و توانایي آن را ندارد، شرك به خداوندـ است، مانند كسي كه نزد قبر اوليا و صالحين آمده و از آنها طلب نياز می‌كند؛ حاجت‌هایی مانند: شفاي مريض، بازگشت مسافر، دادن فرزند به كسي كه عقيم و نازاست، پيدا كردن گم شده ومانند اینها. در این حال، حتی اگر هم بگويند ما معتقديم كه همه چيز از خداست، باز هم مرتکب شرک شده‌اند.

پس اين معتقدات، عيناً شرك زمان جاهليت است كه قبلاً ذكر شد و شرك اكبر ناميده می‌شود. رسول اللهص نیز براي مبارزه با همین گمراهی مبعوث شدد.

دلایلي که ثابت می‌کند طلب از اوليا و امامان شرك اكبر است، عبارتند از:

﴿فَلَا تَدۡعُواْ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدٗا ١٨﴾ [الجن: 18]

«پس كسي را با خدا پرستش نكنيد».

﴿أَحَدٗا﴾ اينجا «نكره در سياق نهي» است كه بر عموم دلالت می‌كند، يعني: هيچ چيز با خدا پرستش نمی‌شود. اما اينكه طلب از غير خدا شرك اكبر است و تمامي اعمال را نابود می‌كند:

﴿وَقَدِمۡنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُواْ مِنۡ عَمَلٖ فَجَعَلۡنَٰهُ هَبَآءٗ مَّنثُورًا ٢٣﴾ [الفرقان:23]

«و به هر گونه كارى كه كرده‏اند مى‏پردازيم و آن را [چون] گردى پراكنده مى‏سازيم»،

و همچنين می‌فرمايد:

﴿أَيُشۡرِكُونَ مَا لَا يَخۡلُقُ شَيۡ‍ٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ ١٩١ وَلَا يَسۡتَطِيعُونَ لَهُمۡ نَصۡرٗا وَلَآ أَنفُسَهُمۡ يَنصُرُونَ ١٩٢ وَإِن تَدۡعُوهُمۡ إِلَى ٱلۡهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمۡۚ سَوَآءٌ عَلَيۡكُمۡ أَدَعَوۡتُمُوهُمۡ أَمۡ أَنتُمۡ صَٰمِتُونَ ١٩٣ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ عِبَادٌ أَمۡثَالُكُمۡۖ فَٱدۡعُوهُمۡ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لَكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٩٤ أَلَهُمۡ أَرۡجُلٞ يَمۡشُونَ بِهَآۖ أَمۡ لَهُمۡ أَيۡدٖ يَبۡطِشُونَ بِهَآۖ أَمۡ لَهُمۡ أَعۡيُنٞ يُبۡصِرُونَ بِهَآۖ أَمۡ لَهُمۡ ءَاذَانٞ يَسۡمَعُونَ بِهَاۗ قُلِ ٱدۡعُواْ شُرَكَآءَكُمۡ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ ١٩٥ إِنَّ وَلِـِّۧيَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلۡكِتَٰبَۖ وَهُوَ يَتَوَلَّى ٱلصَّٰلِحِينَ ١٩٦﴾ [الأعراف: 191-196].

«آيا موجوداتى را [با او] شريك مى‏گردانند كه چيزى را نمى‏آفرينند و خودشان مخلوقند؛ و نمى‏توانند آنان را يارى كنند و نه خويشتن را يارى دهند؛ و اگر آنها را به [راه] هدايت فراخوانيد، از شما پيروى نمى‏كنند؛ چه آنها را بخوانيد يا خاموش بمانيد براى شما يكسان است؛ در حقيقت، كسانى را كه به جاى خدا مى‏خوانيد بندگانى امثال شما هستند پس آنها را [در گرفتاري‌ها] بخوانيد، اگر راست مى‏گوييد بايد شما را اجابت كنند؛ آيا آنها پاهايى دارند كه با آن راه بروند، يا دست‌هايى دارند كه با آن كارى انجام دهند، يا چشم‌هايى دارند كه با آن بنگرند، يا گوش‌هايى دارند كه با آن بشنوند؟ بگو شريكان خود را بخوانيد، سپس دربارة من حيله به كار بريد و مرا مهلت مدهيد؛ بى‏ترديد سرور من آن خدايى است كه قرآن را فرو فرستاده و همو دوستدار شايستگان است».

همه اين آيه‌ها، نصوص صريح و واضحي هستند که نشان می‌دهند طلب غير از خدا شرك اكبر است و فرد را از دايرۀ اسلام خارج می‌كند.

توسل مشروع و جايز

1. توسل به ذات خداي تعالي جايز است، مانند اينكه بگویي: يا الله؛
2. توسل به يكي از اسماء الله: يا رَحمان، يا رَحيم، يا حَيّ، يا قَيّوم؛
3. توسل به صفات باریتعالي: «اَللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ»: خدايا به رحمت تو دادخواهی و استغاثه می‌كنم؛
4. توسل به دعاي مرد صالحي كه زنده است و حاضر است، مثلاً می‌گویيم: اي شيخ، برايم دعا كن، و مانند اين؛ چنانكه صحابه از رسول اللهص طلب باران می‌كردند؛
5. توسل به عمل نيك و صالح: مانند قصۀ اصحاب غاري كه صخره‌اي درِ غار را بر روي آنها بست و خدا را با اعمال صالحي كه انجام داده بودند، دعا كردند و خداوند مشكل آنها را بر طرف كرد و از غار بيرون آمدند.

ممكن است بگویي: «خدايا، به خاطر دوستی و محبت من به پيامبرت، و توحيدم به تو، و اطاعتم از تو و رسولت، اين چيز را به من بده».

اما حاجت خواستن از خدا به خاطر مقام پيامبر و وليّ، يا سوگند به يكي از اینها، بدعتي است كه فرد را به سوي شرك می‌كشاند؛ حتی اگر به شرک نیندازد، اين نوع طلب، حرام است.

اما درخواست و طلب از مردگان و يا شخص غير حاضر، شرك اكبر به شمار می‌رود.

خداوند بندگان را ارشاد و راهنمایي كرده تا فقط او را بخوانند و وعده به اجابت درخواست‌ها داده است، فرمودند:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لِي وَلۡيُؤۡمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمۡ يَرۡشُدُونَ ١٨٦﴾ [البقرة: 186]

«و هرگاه بندگان من از تو در باره من بپرسند [بگو] من نزديكم و دعاى دعاكننده را به هنگامى كه مرا بخواند، اجابت مى‏كنم، پس [آنان] بايد فرمان مرا گردن نهند و به من ايمان آورند باشد كه راه يابند».

و فرموده:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ﴾ [غافر: 60]

«و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانيد تا شما را اجابت كنم».

و ما را راهنمایي كرده تا تنها از او كمك بخواهيم؛ ما نیز در هر ركعت نماز چنين می‌گوييم:

﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ٥﴾ [الفاتحة: 5]

«[پروردگارا] تنها تو را می‌پرستيم و تنها از تو ياري می‌جوييم».

با اين حال، می‌بيني كه بيشتر نمازگزاران اگر اجابت دعايشان به تأخير افتد، به سوي قبرها و ضريح‌ها روی می‌آورند و به آنها توسل می‌جويند، در حالي كه خداوند تواناست و فوراً دعاي آنها را اجابت می‌كند؛ ولي اين يك نوع ابتلا و امتحان براي بندگانش می‌باشد، چون حكمت الهي موجب شده تا بندگان خود را امتحان كند؛ حتی ممكن است اجابت بنده را به تأخير انداخته تا صدق و راستي او را بداند، چون اگر صادق باشد، بر سختی و مصيبت‌ها صبر كرده و استوار می‌شود و به جز خدا كس ديگري را نخواهد خواند، اگر هم كوه‌ها بر سرش پايين آيد، يا زمين شكافته شده و او را ببلعد، اين گونه اشخاص، اعتماد و توكلشان بر خدا قوي و محكم است. پس مطمئاً خدا درخواستشان را بدون جواب نمی‌گذارد؛ ولی فرد ديگر در اين امتحان به فتنه افتاده و فريفته می‌شود، ايمان او ضعيف می‌گردد، و شيطان اين كار را برايش زينت می‌دهد تا او را از دايرة اسلام خارج نمايد و سوگند خود را برآورده كند، آنگاه كه گفت:

﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٨٢ إِلَّا عِبَادَكَ مِنۡهُمُ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ﴾ [ص: 82- 83]

«[شيطان] گفت پس به عزت تو سوگند كه همگى را جدا از راه به در مى‏برم؛ مگر آن بندگان مخلص تو را [كه بر آنان سلطه وقدرتي نداشته و وسوسه‌ام در ايشان نمی‌گيرد‌]».

خداوند دربارة مصداق آن ابتلا و امتحاني كه براي بشريت است، چنین می‌فرمايد:

﴿أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتۡرَكُوٓاْ أَن يَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا وَهُمۡ لَا يُفۡتَنُونَ ٢ وَلَقَدۡ فَتَنَّا ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ فَلَيَعۡلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٣﴾ [العنکبوت: 2-3]

«آيا مردمان گمان برده‌اند همين كه بگويند ايمان آورده‌ايم به حال خود رها می‌شوند و ايشان [با تكاليف و وظايف و رنج‌ها و سختي‌هايي كه بايد در راه آئين آسماني تحمل كرد] آزمايش نمي‌گردند؟ ما كساني را كه قبل از ايشان بوده‌اند [با انوع تكاليف و مشقات و با اقسام نعمت‌ها و محنت‌ها] آزمايش كرده‌ايم؛ آخر خدا بايد بداند چه كساني راست می‌گويند و چه كساني دروغ می‌گويند».

نیز می‌فرمايد:

﴿أَوَلَا يَرَوۡنَ أَنَّهُمۡ يُفۡتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٖ مَّرَّةً أَوۡ مَرَّتَيۡنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمۡ يَذَّكَّرُونَ ١٢٦﴾ [التوبة: 126]

«آيا منافقان نمی‌بينند كه در هر سالي، يك بار يا دوبار [و بلكه بيشتر] مورد آزمايش قرار می‌گيرند؟ بعد از آن توبه نمی‌كنند و عبرت نمی‌گيرند و بيدار و هوشيار نمی‌شوند».

به كسی غير از رسول اللهص اقتدا و تأسی نمی‌كنيم

متأسفانه افرادي كه از ديدگاه مردم از جمله علما به شمار مي‌روند و يا صاحبان مقام و قدرت هستند، مانند انسان‌هاي جاهل و نادان، نزد قبرها، كارهایي انجام می‌دهند كه در واقع از جملة گمراهان به شمار می‌روند و هرگاه که مردم در اين‌ مورد از آنها فتوي می‌خواهند، در جواب می‌گويند: اين کار، جايز و صحيح است و شرك به شمار نمی‌رود؛ مردم به آنها اقتدا می‌كنند، ولي شخص عاقل و دانا اين كار را انجام نمی‌دهد، زيرا می‌گويد آنچه رسول اللهص و سلف صالح انجام نداده‌اند، من نیز انجام نمی‌دهم.

رسول اللهص در تمامي زندگي خود غير از خدا را نخواست و هيچ كس از او چنين كاري نديد؛ نه در صلح و نه در آشتي، نه در وقت جنگ و نه در وقت شادي و مسرت، و نه در خوشي و خرمي و نه در شدت و سختي. آنچه از او ثابت شده اين است كه هرگاه مشكل يا مصيبتي به او می‌رسيد، به بلال می‌گفت: «يا بِلالُ، أرِحْنا بِها» یعنی: «ای بلال ما را با نماز خواندن آرامش ده»**([[3]](#footnote-3))**،

و ما در هر نماز اين آيه را می‌خوانيم:

﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ٥﴾ [الفاتحة: 5]

«پروردگارا تنها تو را می‌پرستيم و تنها از تو ياري می‌خواهيم».

يعني هيچ كس غير از تو نمی‌پرستيم، و از او ياری نمی‌طلبيم، بلكه فقط از تو كمك می‌خواهيم.

خداوند در قرآن می‌فرمايد:

﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ﴾ [الأحزاب: 21]

«همانا سرمشق و الگوي زيبايي در [شيوه پندار وگفتار و كردا] پيامبر خدا براي شماست».

خداوند نفرموده كه: براي شما در اهل زمانتان پیشوای خوبي است، و نفرمود كه: چرا به بزرگان زمانتان اقتدا و تأسي نكرديد؟

بنگرید كه بنی‌اسرائيل هنگامی كه در معصيت خدا از علما و عابدان خود اطاعت كردند، خداوند چه فرمود:

﴿ٱتَّخَذُوٓاْ أَحۡبَارَهُمۡ وَرُهۡبَٰنَهُمۡ أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِ﴾ [التوبة: 31]

«[يهوديان و مسیحيان] دانشمندان و راهبان خود را به جاى خدا به الوهيت گرفتند».

هنگامی كه عدي بن حاتم، که قبل از اسلام مسیحی بود، اين آيه را شنيد، گفت: «اي رسول الله، ما آنها را نمی‌پرستيديم». رسول اللهص در جواب فرمودند: «آيا چنین نبود که [روحانیون شما] آنچه را که خدا حرام كرده بود، حلال می‌كردند و شما نيز آن را حلال می‌كرديد؛ و آنچه را که خدا آن را حلال كرده بود، حرام می‌كردند و شما نيز آن را حرام می‌كرديد؟» عدي بن حاتم در جواب گفت: «بلي اي رسول خدا». آن حضرتص فرمودند: «اين همان عبادت ‌كردن آنهاست**([[4]](#footnote-4)).**

دعاي به درگاه غير خدا اعمال نیک را محو و نابود می‌كند

اي خواهر و برادر مسلمان، چه فرقي است بين كسي كه بگويد: عيسي فرزند خداست و بعضي از صفات الوهيت را دارد ـ‌ چنان كه نصاري چنين می‌گويند ـ و كسي كه غير از خدا را خواسته و معتقد است كه به او ياري می‌دهد و خواستة را برآورده می‌كند؟

اين عمل با توجه به اينكه شرك به خداي متعال و نابودكنندة اعمال است، مسلمانان را نيز از هم پراكنده می‌كند، زيرا وقتي كه عقيدة آنان يكي نيست، نمی‌توانند با هم يكپارچه شوند، زيرا گروهی از ایشان، مخالف منهج و روش صحيح می‌باشند. جاي تأسف است كه بعضی از نصاري وقتي زندگي دوره جاهليت را مطالعه می‌كنند، می‌گويند: اینها به بت‌پرستي پدرانشان بازگشته‌اند. آنان فراموش كرده‌اند يا خود را به فراموشي زده‌اند هنگامی كه به خدا فرزند نسبت دادند، در حالی که خداوندـ منزه است كه از كسي زاده گردد، يا كسي از او متولد شود:

﴿لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ١١﴾ [الشوری: 11]

«هيچ چيزي همانند خدا نيست و او شنوا و بينا است»،

و باز می‌فرماید:

﴿وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَلَدٗا ٨٨ لَّقَدۡ جِئۡتُمۡ شَيۡ‍ًٔا إِدّٗا ٨٩ تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرۡنَ مِنۡهُ وَتَنشَقُّ ٱلۡأَرۡضُ وَتَخِرُّ ٱلۡجِبَالُ هَدًّا ٩٠ أَن دَعَوۡاْ لِلرَّحۡمَٰنِ وَلَدٗا ٩١ وَمَا يَنۢبَغِي لِلرَّحۡمَٰنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا﴾ [مریم: 88 تا 92]

«و گفتند [خداى] رحمان فرزندى اختيار كرده است؛ واقعاً چيز زشتى را [بر زبان] آورديد؛ چيزى نمانده است كه آسمان‌ها از اين [سخن] بشكافند و زمين چاك خورد و كوه‌ها به شدت فرو ريزند؛ از اينكه براى [خداى] رحمان فرزندى قايل شدند؛ [خداى] رحمان را نسزد كه فرزندى اختيار كند».

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| وهاج للظلم والطغيان طوفان |  | لما تركنا الهدى حلت بنا نقم |

«وقتي هدايت را ترك كرديم، عذاب و عقوبت بر ما فرود آمد، و ظلم و طغيان شدت گرفت و فراگير شد».

طلب از غير خدا اعمال نيك و كردار حسنه را محو و نابود می‌كند و هيچ شك و ترديدي نيست كه طلب از غير خدا گمراهي محض است؛ خداوند می‌فرمايد:

﴿وَمَنۡ أَضَلُّ مِمَّن يَدۡعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَن لَّا يَسۡتَجِيبُ لَهُۥٓ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَهُمۡ عَن دُعَآئِهِمۡ غَٰفِلُونَ ٥﴾ [الأحقاف: 5]

«و كيست گمراه‏تر از آن كس كه به جاى خدا كسى را مى‏خواند كه تا روز قيامت او را پاسخ نمى‏دهد و آنها از دعايشان بى‏خبرند».

بخوانید که وقتی فرشتگان هنگام مردن روح آنها را می‌گيرند، به آنها چه می‌گويند:

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوۡنَهُمۡ قَالُوٓاْ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ قَالُواْ ضَلُّواْ عَنَّا وَشَهِدُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ أَنَّهُمۡ كَانُواْ كَٰفِرِينَ ٣٧﴾ [الأعراف: 37]

«پس كيست‏ ستمكارتر از آن كس كه بر خدا دروغ بندد يا آيات او را تكذيب كند؟ اينان كسانى هستند كه نصيبشان از آنچه مقرر شده، به ايشان خواهد رسيد، تا آنگاه كه فرشتگان ما به سراغشان بيايند كه جانشان بستانند؛ مى‏گويند: آنچه غير از خدا مى‏خوانديد كجاست؟ مى‏گويند: از [چشم] ما ناپديد شدند و عليه خود گواهى مى‏دهند كه آنان كافر بودند».

عمل و كردار انسان كافر محو و نابود است، زیرا خداوند می‌فرمايد:

﴿وَقَدِمۡنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُواْ مِنۡ عَمَلٖ فَجَعَلۡنَٰهُ هَبَآءٗ مَّنثُورًا ٢٣﴾ [الفرقان:23]

«و به هر گونه كارى كه كرده‏اند مى‏پردازيم و آن را [چون] گردى پراكنده مى‏سازيم»

زيرا با امر و فرمان خدا و رسول خداص مخالفت كرده است.

شرک ورزیدن، غیر از مخالفت با امر خدا، ولي مخالفت با فرمان رسول‌اللهص نیز محسوب می‌شود و خود گناه دیگری است، چرا که آن بزرگوار نیز فرمان داده که از غير خدا چيزي خواسته نشود: «إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ»، «اگر خواهش و درخواستي داشتي، آن را از خدا بخواه؛ و اگر كمك و ياري خواستي، آن را از خدا بخواه».

قطعاً شرك مورد قبول نيست و سبب نابود شدن اعمال نيك و صالح، از نماز و روزه و حج می‌شود:

﴿وَلَقَدۡ أُوحِيَ إِلَيۡكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكَ لَئِنۡ أَشۡرَكۡتَ لَيَحۡبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٦٥﴾ [الزمر: 65]

«به تو و به يكايك پيغمبران پيش از تو وحي شده است كه اگر شرك بورزي كردارت [باطل و بي‌پاداش می‌گردد و] هيچ و نابود می‌شود، و از زيانكاران خواهي بود»،

و می‌فرمايد:

﴿إِنَّهُۥ مَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ ٱلۡجَنَّةَ وَمَأۡوَىٰهُ ٱلنَّارُ﴾ [المائدة:72]

«هر كس به خدا شرك آورد قطعاً خدا بهشت را بر او حرام ساخته و جايگاهش آتش است».

پس اي مؤمنان، از شرك و هر وسيله‌اي كه به آن منتهي می‌شود، دوري گزينید؛ کارهایی مانند: ساختن مساجد بر قبرها، يا قرباني برای قبرها و مردگان، و امثال آن، چون پدرمان إبراهيم از گرفتار شدن در دام شرك می‌ترسيد؛ چنان كه به خداوند عرض کرد:

﴿وَٱجۡنُبۡنِي وَبَنِيَّ أَن نَّعۡبُدَ ٱلۡأَصۡنَامَ ٣٥﴾ [إبراهيم: 35]

«خدايا، من و فرزندانم را از پرستش بت‌ها دور فرما».

امام ابراهيم تميمي گويد: «چه كسي بعد از ابراهيم از بلا و مصيبت در امان است».

خوانندة عزیز، بر تو واجب است كه مردم را از اين ناداني و عادت‌هاي جاهلي و شركي كه با اهل جاهليت فرقي ندارد، بر حذر داري، تا طلب‌كردن را خالص براي خدا قرار دهند، و به نداي باری‌تعالي لبيك گويند، هنگامی كه فرمودند:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡ﴾ [المؤمن: 60]

«و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانيد تا شما را اجابت كنم»،

و می‌فرمايد:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لِي وَلۡيُؤۡمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمۡ يَرۡشُدُونَ ١٨٦﴾ [البقرة: 186]

«و هرگاه بندگان من از تو در باره من بپرسند [بگو] من نزديكم و دعاى دعاكننده را به هنگامى كه مرا بخواند، اجابت مى‏كنم، پس [آنان] بايد فرمان مرا گردن نهند و به من ايمان آورند باشد كه راه يابند».

بعضی از نمودهای شرك

 لازم است بدانيم كه از جمله نمودهای شرك، نماز در مساجدي است كه در آنها قبر است، زیرا نماز در آن مساجد باطل است؛ چنان كه رسول اللهص می‌فرمايد: «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُود وَالنَّصَارَى، اِتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِد» «خدا يهود و نصاري را لعنت كند كه قبرهاي پيامبران خود را به مساجد تبديل كردند»**([[5]](#footnote-5)).**

در مورد قبر پيامبرص و قرارگرفتن آن در مسجـد، هيچ حجت و برهاني نيست، چون در خانه‌اش دفن شده است و خانه‌اش مسجد نيست، زيرا وفاتش در خانه بوده و هر پيامبري در همانجا كه وفات يافته دفن می‌شود؛ چنان كه در حديث صحيح وارد شده است؛ همچنين ابوبكر و عمرب نيز در حجرة ام‌المؤمنين عائشهل با پيامبرص دفن شده‌اند.

برخی از شبهه‌هایی كه اهل باطل ادعا می‌كنند

چرا از اوليا ياري نخواهيم در حالي كه خداوند دربارة آنها چنين می‌فرمايد:

﴿أَلَآ إِنَّ أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهِ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٦٢﴾ [يونس: 62]

«بدان كه دوستان خدا نه بيمي بر آنان است و نه آنان اندوهگين شوند».

ما فقط به خاطر جاه و منزلت آنان نزد خدا آنها را می‌خوانيم، چون صالح و نيكوكارند و در نزد خدا مقام دارند، و ما به خاطر آنچه كه خدا به آنان داده آنها را می‌خوانيم.

علماي موحد اهل سنت و جماعت، در صدد پاسخ به اين شبهه بر آمده و جواب داده‌اند كه بقيه آيه را بخوانيد تا بريتان واضح گردد:

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ٦٣﴾ [يونس: 63]

«آنانكه ايمان آوردند و پروا می‌كردند».

خداوند تعريف اوليا را چنين بيان كرده: به خدا مؤمن هستند و از كردار و اعمالي كه خدا از آن خشم و غضب می‌گيرد و كراهت دارد، پرهيز می‌كنند. از جمله بزرگترين اعمالي كه اللهـ به آن خشم می‌گيرد و كراهت دارد، شرك و توسل به غير از خداست؛ پس چگونه اوليا راضي می‌شوند تا ديگران به آنها توسل جويند؟

خداوند در روز قيامت به اوليای خود می‌فرمايد:

﴿أَهَٰٓؤُلَآءِ إِيَّاكُمۡ كَانُواْ يَعۡبُدُونَ ٤٠ قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ أَنتَ وَلِيُّنَا مِن دُونِهِمۖ بَلۡ كَانُواْ يَعۡبُدُونَ ٱلۡجِنَّۖ أَكۡثَرُهُم بِهِم مُّؤۡمِنُونَ ٤١﴾ [سبأ: 40-41]

«آيا اينان شما را می‌پرستيدند؟ گويند پاك و منزهي، تو كارساز مايي نه آنان، بلكه جن را می‌پرستيدند، بيشترشان به آنها باور داشتند».

رسول اللهص با مشركان عرب به جنگ پرداخت، در حالی كه به توحيد ربوبيت اعتراف داشتند، یعنی مشرکان باور داشتند که خدا خالق و رازق و مدبر تمامي امور در آسمان و زمين است. پیامبرص با آنها جنگ كرد در حالی كه دربارۀ اوليا می‌گفتند:

﴿هَٰٓؤُلَآءِ شُفَعَٰٓؤُنَا عِندَ ٱللَّهِ﴾ [یونس: 18]

«اين [بت‌ها] شفيع ما نزد خدايند».

با اين حال، درخواست شفاعت آنها از مرده صالحين و غيره، به آنها نفعي نرساند.

از خداوند متعال خواستارم كه من و شما و جميع مسلمانان را به آنچه رضا و خشنودی اوست موفق دارد. و ما را بر سنت و روش پدرمان ابراهيم و سنت پيامبرمان محمدص ـ النبي الأمي الأمين ـ ثابت قدم و استوار بگرداند، تا اينكه خدا را ملاقات كرده و هيچ فتنه و محروميتي از رحمت خداوندي بر ما وارد نشده باشد.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين

1. - نوعی غذا که ترکیبی از آرد دانه‌های خوراکی است. [↑](#footnote-ref-1)
2. - به نقل از امام احمد، ابوداود، ترمذي، نسائي، ابن‌ماجه، ابن‌ابي‌حاتم، ابن‌جرير، ابن‌حبان و حاكم. [↑](#footnote-ref-2)
3. - روایت بخاری و احمد. [↑](#footnote-ref-3)
4. ـ ترمذي 5/259. [↑](#footnote-ref-4)
5. ـ بخاری و مسلم از حديث عایشهل. [↑](#footnote-ref-5)